



Persian Language International Teaching Studies
Vol. 10, Issue 18, 2024; pp (205-232)
DOI: [10.22034/MAZ.2025.21669.1158](https://doi.org/10.22034/MAZ.2025.21669.1158)



مطالعات آموزش بین‌المللی زبان فارسی
دوره ۱۰، شماره ۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۳: صفحات (۲۰۵-۲۳۲)
نشریه علمی / مقاله پژوهشی

Phonetic Changes in Spoken Persian: A Study on the Necessity of Teaching the Pronunciation of the Simple Present Tense (the Verb of Mozare Ekhbari) in Both Spoken and Reading-Written Persian Language to Non-Persian Speakers*

Eham Babaei Velni¹

Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Shohre Sadat Sajjadi²

Department of Persian Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

Abstract

The present article compares the verb in the two forms of reading/writing and speaking and the necessity of teaching it to non-Persian speakers. Speakers of the language are often unaware of the changes that occur in the language throughout their lives. Considering the principle of economy and also the principle of least effort, people try to apply the easiest way and the simplest pronunciation; as a result, changes in the spoken form always occur and the written form remains constant. Linguistic changes happen in all areas of the language. In this article, phonetic changes between the spoken form and the reading/writing form in the simple present tense (the verb of Mozare Ekhbari) are examined. Due to the existence of radio and television, the ease of communication, and the almost universalization of literacy, spoken Persian has become very widespread and is used by all people; therefore, describing and compiling a book on spoken Persian is a priority after written Persian. On the other hand, non-Persian speakers who learn Persian need to learn formal spoken Persian in addition to learning written Persian, and many of them even need to learn spoken Persian only. In this study, the researcher categorized the common phonetic changes among the present tense forms, so that they can be taught in a specific order and learned more easily, simply, and quickly.

Keywords: Simple Verb, Hal Ekhbari, Spoken form of Verb, Reading/Writing form of Verb, Teaching Persian Language to Non-Persian Speakers.

* Receive Date: 22 November 2023 | Revise Date: 25 January 2024 | Accept Date: 20 February 2024

¹ Email: elham_b73@yahoo.com

² Email: shohresajjadi@gmail.com

تغییرات آوایی در فارسی گفتاری: مطالعه‌ای درباره ضرورت آموزش تلفظ فعل مضارع اخباری در دوگونه گفتاری و خوانداری – نوشتاری زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان *

الهام بابایی ولنی^۱

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

شهره سادات سجادی^۲

گروه ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

چکیده

مقاله حاضر به مقایسه فعل در دوگونه خوانداری/نوشتاری و گفتاری و ضرورت آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان می‌پردازد. سخنگویان زبان، اغلب از تغییرات پدیدآمده در زبان در طول زندگی خود آگاه نیستند. با توجه به اصل اقتصاد و همچنین اصل کم‌کوشی، افراد می‌کوشند تا آسان‌ترین راه و ساده‌ترین تلفظ را به کار گیرند؛ در نتیجه تغییر و تحول در صورت گفتاری همواره رخ می‌دهد و نوشتار همچنان ثابت می‌ماند. تغییرات زبانی در تمامی حوزه‌های زبان صورت می‌گیرد. در این مقاله تغییرات آوایی میان گونه گفتاری و گونه خوانداری/نوشتاری در فعل مضارع اخباری بررسی می‌شود. به سبب وجود رادیو و تلویزیون و سهولت ارتباطات و تقریباً همگانی شدن سواد، فارسی گفتاری بسیار گسترده شده است و همه مردم آن را به کار می‌برند؛ بنابراین توصیف و تدوین کتاب فارسی گفتاری پس از فارسی نوشتاری در اولویت است. از سوی دیگر غیرفارسی‌زبانانی که فارسی می‌آموزند، افزون بر فراگرفتن فارسی نوشتاری نیاز دارند که فارسی گفتاری رسمی را هم بیاموزند و حتی بسیاری از آنان فقط به فراگیری فارسی گفتاری نیاز دارند. در این پژوهش، محقق تغییرات آوایی مشترک در میان صورت‌های زمان مضارع را دسته‌بندی کرده، تا آموزش آنها با نظامی خاص و یادگیری آنها آسان‌تر، ساده‌تر و سریع‌تر صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: فعل ساده، حال اخباری، گونه گفتاری فعل، گونه خوانداری/نوشتاری فعل، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

¹ Email: elham_b73@yahoo.com

² Email: shohresajjadi@gmail.com

۱. مقدمه

هر یک از جوامع بشری به طور طبیعی و عادی برای ارتباط با یکدیگر از زبان خاصی استفاده می کنند. هنگامی که شخصی تصمیم به ایجاد ارتباط زبانی می گیرد، نخست از بین گونه های اجتماعی زبان خود متناسب با شرایط بیرونی، متأثر از سه عامل گونه زبانی مناسبی را انتخاب می کند: ۱. چه کسی سخن می گوید؛ ۲. موضوع سخن چیست؛ ۳. در کجا سخن می گوید. زبان به عنوان یک وسیله ارتباطی دارای دو گونه بسیار مهم است: الف) زبان گفتاری^۱ و ب) زبان غیر گفتاری^۲. ثمره (۱۳۸۶: ۲۸) منظور از زبان غیر گفتاری را زبانی می داند که برای مقاصدی غیر از گفتار معمولی روزانه استفاده می شود، مانند زبان ادبیات، زبان علمی، زبان مذهبی و جز آن.

پی سیکوف (۱۳۸۰: ۱۷) نیز در این باره می گوید اشتراکات چشمگیر میان گونه های گفتاری زبان عامه^۳، زبان گفتاری^۴، زبان فارسی عامیانه^۵، فارسی گفتاری^۶، زبان گفتگوی طبقات بی سواد^۷، فارسی گفتاری امروز^۸، بسیاری از ایران شناسان را بر آن داشته است که زبان گفتاری مشترک فارسی زبانان را در تقابل با گونه ادبی - نوشتاری زبان فارسی بررسی کنند. تا سال های اخیر موضوع تحقیق زبان شناسان، گونه اول یعنی زبان گفتاری بود. به سخن دیگر، تنها زبان گفتاری بود که توجه پژوهشگران زبانی را به خود جلب می کرد، چون تصور می شد که زبان گفتاری ابزاری برای همه افراد جامعه است؛ در حالی که سایر گونه های زبان دامنه کاربرد و استفاده کنندگان آنها محدودترند. از سوی دیگر، چنان که ثمره (۱۳۸۶: ۳۰) اذعان دارد زبان گفتاری هسته مرکزی ارتباط را تشکیل می دهد و دیگر انواع زبان گونه هایی هستند که از زبان گفتاری برگرفته شده اند، ولی از لحاظ ساخت^۹ با آن فرقی ندارند.

1. casual

2. non-casual

3. Langue Populaire

4. Langue Parle

5. Langue Persane Vulgaire

6. Colloquial Persian

7. Conversational Language of the Uneducated Classes

8. Modern Persian Colloquial

9. structure

زبان فارسی معیار دارای دو گونه گفتاری و خوانداری / نوشتاری است. از گونه گفتاری در محاوره استفاده می‌شود و ما فارسی‌زبانان بدان گونه که در گفتار از آن استفاده می‌کنیم در نوشتار به کار نمی‌بریم. در گونه گفتاری تلفظ، ساده‌تر و انتقال معنا در آن نیز کمتر وابسته به متن است. در گونه گفتاری تغییرات آوایی مشاهده می‌شود که در این مقاله قصد داریم تا به تفاوت میان دو گونه گفتاری و خوانداری در حوزه فعل اشاره کنیم و قوانینی را مطرح سازیم که این تغییرات طبق آن صورت گرفته است. نخست با بیان پیشینه‌ای از پژوهش‌ها در این حوزه و نام بردن افرادی که به تفاوت‌های گونه گفتاری و خوانداری / نوشتاری در سایر حوزه‌های زبان پرداخته‌اند، سپس در چارچوب نظری از گونه گفتاری، گونه خوانداری / نوشتاری، فعل، ساختمان فعل، بُن مضارع و مضارع اخباری تعاریفی را ارائه می‌دهیم و در ادامه نیز به جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازیم. در نتیجه‌گیری هم مشخص شده که تغییرات در بعضی از افعال دارای شباهت‌هایی است که این امر می‌تواند روند آموزش آن به غیرفارسی‌زبانان را ساده‌تر کند.

با توجه به هدف آموزشی این مقاله و تفاوت‌های گونه‌های گفتاری و نوشتاری - خوانداری در زبان فارسی، این پژوهش تغییرات آوایی صورت گرفته در این گونه‌ها را در فعل مضارع اخباری بررسی می‌کند؛ بنابراین نگارندگان مقاله در پی پاسخ به پرسش‌های زیر بوده‌اند:

۱. تغییرات آوایی و تفاوت آنها در دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری چگونه است و از چه فرایند آوایی پیروی می‌کند؟
۲. الزام و نیاز آموزش دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری به غیرفارسی‌زبان کدام است؟

فرضیه‌هایی هم که می‌توان برای پرسش‌های یادشده در نظر گرفت، عبارت‌اند از:

۱. بین دو گونه گفتاری و خوانداری فعل حال اخباری تفاوت وجود دارد و از انواع فرایند تغییرات آوایی حذف، تبدیل و اضافه استفاده می‌شود.

۲. با توجه به اینکه سطح تسلط زبانی فارسی آموزان غیرایرانی را هنگامی می‌توان در سطح پیشرفته ارزیابی کرد که توان استفاده بجا از گونه‌های زبانی متفاوت را داشته باشند، آموزش تفاوت گونه‌های گفتاری و خوانداری فعل مضارع ضروری است. بر مبنای پرسش‌های پژوهش از روش کتابخانه‌ای و داده‌مبنا با نگاه هم‌زمانی به افعال و تحلیل و توصیف تفاوت‌های فعل در گونه گفتاری با گونه نوشتاری - خوانداری استفاده شده است. محوریت موضوع، فعل‌های ساده زبان فارسی در گونه گفتاری می‌باشد که با استناد به کتاب‌های معتبر و مقالات نوشته‌شده داخلی درباره افعال زبان فارسی گردآوری شده است؛ بدین صورت که هرچند مواد خام این پژوهش داده‌های گردآورده‌شده نگارندگان است، اما تلاش شده که گردآوری داده‌ها، طبقه‌بندی و تحلیل آنها برپایه منابع شناخته‌شده این حوزه انجام پذیرد.

پیشینه پژوهش

ساپیر^۱ (۲۰۱۴) بر این عقیده بود که جهان مدرن برای همه زبان‌ها وضعیت خاصی پیش آورده که در گذشته سابقه نداشته است. در این عصر پدیده‌ها و مفاهیم تازه با سرعتی شگفت‌انگیز زاده می‌شوند و بشر ناگزیر از آن استفاده می‌کند. پس آدمی برای این کار از همه امکانات زبان خود بهره می‌گیرد. از آنجا که زبان ایستا نیست و پیوسته در حال تغییر است و این تغییرات در دو محور جغرافیایی و اجتماعی به صورت مجموعه‌ای از متغیرها عینیت می‌یابد، وجود یک شبکه ثابت قوانین، مطلوب‌سازی این مجموعه را در قالب یک گونه واحد زبانی الزام آور کرده است.

در ارتباط با تغییرات زبانی، افراد بسیاری تحقیقاتی را در حوزه فعل‌های فارسی و همچنین مقایسه فعل فارسی با افعال سایر زبان‌ها انجام داده‌اند. افرادی نیز به تفاوت‌های گونه گفتاری و خوانداری در سایر حوزه‌های زبان پرداخته‌اند. برخی دیگر درباره گونه‌های زبان و نیز گونه محاوره و زبان شکسته در زبان فارسی، کتاب‌ها و مقالاتی نوشته‌اند که در ادامه به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود.

1. Edward Sapir

وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) در کتاب *دستور زبان فارسی گفتاری* به همه حوزه‌های زبان گفتاری از جمله فعل اشاره کرده است.

صادقی (۱۳۷۵) در مقاله «زبان معیار» زبان فارسی را در حال حاضر دارای دو گونه معیار می‌داند: نوشتاری و گفتاری. معیار نوشتاری به آن گونه‌ای از زبان فارسی گفته می‌شود که در عصر حاضر به عنوان وسیله ارتباط زبانی^۱ در کتاب‌های درسی، نوشته‌های علمی، روزنامه‌ها و نامه‌های اداری و رسمی به کار می‌رود. این زبان در مجموع زبان درس‌خوانندگان و روشنفکران است. همین زبان می‌باشد که هنگام آموزش به غیرفارسی‌زبانان تدریس می‌شود. اسکندری (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به موضوع «حذف» در زبان فارسی و تأثیر آن بر آموزش زبان پرداخته و به روش استقرائی مواردی را بررسی کرده است که در آنها حذف بدون پیامد دیگری به صورت تبدیل یا جابه‌جایی رخ داده باشد.

نگارندگان با آگاهی از تلاش محققان پیشین در این حوزه‌ها و ارج نهادن به نتایج تحقیقات، موضوع مقاله خود را فقط از افعال پربسامد ساده زبان فارسی گفتاری انتخاب کرده و مقایسه دو گونه گفتاری و نوشتاری — خوانداری را فقط در فعل مضارع اخباری انجام داده است.

چارچوب نظری

مهم نیست که ما زبان را به چه صورتی تعریف کنیم، بلکه باید طبیعت زبان را بشناسیم و چگونگی کار آن را دریابیم. زبان وقتی از قوه به فعل می‌آید یا به صورت گفتار است یا به صورت نوشتار.

هر زبان دارای گونه‌های فردی، محلی و اجتماعی متفاوتی است که به وسیله افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون در مناطق جغرافیایی مختلف و در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت به کار گرفته می‌شوند. مدرسی (۱۳۶۸) بر این باور است که در ترکیباتی مانند گونه رسمی، گونه گفتاری، گونه نوشتاری و گونه معیار، گونه مفهوم عام‌تری دارد. صادقی

1. communication

(۱۳۷۵) گونه‌های زبانی را گونه علمی، گونه رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و گونه ادبی تقسیم‌بندی می‌کند.

نمره (۱۳۸۶) معیارهای فرهنگی گونه‌های زبانی برای تشخیص زبان گفتاری از غیرگفتاری را با این تقسیم‌بندی می‌آورد:

۱. گفتارهای غیرگفتاری^۱ که محدود به یک وقت معین و جای مشخص هستند.
۲. هنگامی که کلام غیرگفتاری در مکان یا وقت نامناسب یا حتی از سوی شخصی نامناسب به کار می‌رود، همه کسانی که متعلق به آن زبان و فرهنگ هستند تناسب نداشتن آن را به آسانی درک می‌کنند.
۳. آموزش و تمرین و داشتن انگیزه، به‌ویژه در نحوه کاربرد زبان غیرگفتاری شرط ضروری است؛ درحالی که در مورد زبان گفتاری اهمیت چندانی ندارد.
۴. دامنه کاربرد و استفاده از زبان غیرگفتاری در مقایسه با زبان گفتاری بسیار محدود است.

همچنین نمره در جای دیگر می‌نویسد: هر زبان دارای یک ساختمان می‌باشد که بر زبان گفتاری مبتنی است و گونه‌های دیگر، مثلاً زبان شعر، نثر، علمی، رسمی و جز آن، از این ساخت نشئت گرفته و در واقع گونه‌هایی از آن به شمار می‌روند.

صفارمقدم (۱۳۹۱) گونه‌های زبانی را شامل موارد ذیل می‌داند:

۱. خوانداری: به معنای همان خواندن متن‌های مکتوب است. شکل خوانداری با شکل نوشتاری جز در ابزار بیان (صوت)، تفاوتی ندارد. خواندن متن خبر و مطالب رسمی دیگر از رادیو و تلویزیون و... نمونه‌هایی از کاربرد این گونه شمرده می‌شود.
۲. ادبیانه: این گونه کمترین فاصله و تفاوت را با گونه نوشتاری دارد. ادبا و مقامات رسمی در سخنرانی‌های مختلف و... از آن استفاده می‌کنند و کاملاً رسمی و جدی است.
۳. معیار: این گونه، زبان گفتگو میان تحصیل‌کردگان و فرهنگیان جامعه است که بر پایه فارسی گفتاری رایج در تهران شکل می‌گیرد و در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و مدارس

1. non-casual utterances

تدریس می‌شود. این گونه با ادب و احترام همراه است و هم در روابط رسمی با مقامات بالاتر کاربرد دارد و هم در روابط غیررسمی و دوستانه.

۴. گفتاری: گونه غیررسمی زبان است که با گونه معیار وجوه اشتراک زیادی دارد و کاربران آن عموم مردم از جمله تحصیل کرده و دیگران، به ویژه جوانان هستند.

۵. عامیانه: گونه‌ای که در میان طبقات پایین، کم/بی‌سواد به کار می‌رود. کاربردهای جاهلی یا چاله‌میدانی نمونه افراطی آن شمرده می‌شود.

رواقی (۱۳۹۳) گونه را چنین تعریف می‌کند: کاربردی از زبان است که می‌تواند در یک حوزه جغرافیایی و در یک دوره زمانی به کار گرفته شود؛ از این‌رو، گونه را برابر variant قرار داده است. وی گونه زبانی را به دو بخش تقسیم می‌کند: الف) گونه گفتاری: زبان گفتاری مردم یک حوزه جغرافیایی خاص در یک دوره زمانی است که می‌تواند از زبان‌ها، گونه‌ها و گویش‌های موجود در آن حوزه تأثیر پذیرفته باشد؛ ب) گونه نوشتاری: به گونه‌ای از زبان گفته می‌شود که به دور از ساخت‌ها و ویژگی‌های گویشی و محلی باشد. با توجه به تعاریف یادشده می‌توان گفت که زبان فارسی گونه یکدست و یکسانی ندارد، بلکه از اجتماع گونه‌های بی‌شماری ترکیب شده است که از جهات مختلف آنها را می‌توان طبقه‌بندی کرد. این گونه‌های بی‌شمار زبان همه دارای یک هسته مشترک هستند، ولی در پاره‌ای خصوصیات مربوط به دستور، واژگان و ساختمان آوایی با هم اختلاف دارند. اکنون با توجه به آنچه گفته شد گونه‌های زبان فارسی را می‌توان بدین گونه تقسیم کرد:

- گونه‌های فارسی از نظر زمان: فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی نو.
- گونه‌های فارسی از نظر مکان: تهرانی، اصفهانی، شیرازی، یزدی و ...
- گونه‌های فارسی از نظر کاربرد: علمی، ادبی، اداری، روزنامه‌ای و ...
- گونه‌های فارسی از نظر رابطه اجتماعی گوینده و شنونده: دوستانه، رسمی، خودمانی، بالادست، زیردست و ...
- گونه فارسی از نظر وسیله بیان: گفتاری و نوشتاری.

در بیشتر زبان‌ها بین هنجارهای گفتار و نوشتار تفاوت وجود دارد؛ یعنی مردم در گفتار، الگوهای دستوری یا واژه‌هایی را به کار می‌برند که هرگز نمی‌نویسند یا به ندرت می‌نویسند و نیز در نوشته واژه‌ها یا الگوهای را به کار می‌برند که در گفتار نمی‌آورند. اختلاف بین گفتار و نوشتار در بعضی زبان‌ها کم است، ولی در برخی دیگر این شکاف گسترده است. زبان فارسی از زبان‌هایی است که بین گونه گفتاری و خوانداری/نوشتاری آن، تفاوت بسیاری وجود دارد.

اجزای تشکیل‌دهنده جمله «گروه‌ها» هستند؛ از گروه‌های سازنده جمله، اسمی، فعلی و قیدی می‌باشند. مهم‌ترین عضو گزاره، گروه فعلی است. از میان تعریف‌های گوناگونی که از فعل مضارع شده، نگارندگان به سه تعریف زیر از بن مضارع بسنده کرده‌اند. این تعریف‌ها برگرفته از منابعی هستند که اختصاصاً به زبان گفتاری پرداخته‌اند.

وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) می‌نویسد: اگرچه در زبان فارسی بن اصلی، بن مضارع است و در فعل‌های باقاعده بن ماضی از بن مضارع به اضافه تک‌واژه‌های ماضی ساز درست می‌شود، اما با توجه به افعال بی‌قاعده می‌توان گفت که دو بن ماضی و مضارع وجود دارد؛ به هر حال در فارسی گفتاری بعضی از فعل‌ها دارای سه بن ماضی، مضارع و امر هستند، مانند: آوردن، انداختن، شستن، گفتن، خواستن و... . شانزده فعل دارای سه بن هستند و علت آن تغییراتی چون حذف و ابدال می‌باشد که در آنها صورت گرفته است.

ده فعل در فارسی گفتاری وجود دارد که بن مضارع آنها دوهجایی است. در این فعل‌ها دومین واج "e" یا "o" است که در بن مضارع این واکه حذف می‌شود و در این صورت همخوان در آخر هجای پیشوندی قرار می‌گیرد، مانند miseporam که در فارسی گفتاری می‌شود misporam و افعالی مانند شنیدن، شناختن، فرستادن و... .

عمرانی و سبطی (۱۳۹۰) معتقدند بن مضارع به آن بخش از فعل مضارع گفته می‌شود که در همه ساخت‌ها و زمان‌های مضارع آن فعل، مشترک است.

طباطبایی (۱۳۹۴) در کتاب خود می‌نویسد: زبان فارسی برای اینکه مفهومی را در قالب فعل بیان کند عمدتاً دو امکان در اختیار دارد؛ استفاده از فعل ساده (خوردن و...) و استفاده از

فعل مرکب (تماشا کردن و...) در دهه‌های اخیر، شماری از متخصصان علوم در واژه‌سازی علمی فعل‌های ساده را بر فعل‌های مرکب ترجیح داده‌اند. فعل‌های ساده‌ای که آنان استفاده کرده‌اند به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه نخست فعل‌های مجهوری هستند که در فارسی امروز کاربرد ندارند، مانند آغازیدن. گروه دوم فعل‌های تبدیلی هستند، همچون: اکسیدن، قطیدن.

فعل ساده واحدی صرفی است برخلاف فعل مرکب که واحدی نحوی می‌باشد. در میان اجزای فعل ساده نمی‌توان عناصر دیگر گنجانند، برای مثال در فعل «اندیشیدم» ← اندیش + ید + م، نمی‌توان عنصر دیگری به آن افزود در حالی که در فعل مرکب «فکر کردن» می‌توان گفت فکر بکری کردم.

تعداد فعل‌های ساده که در سطوح مختلف زبان به کار می‌روند حداکثر به سیصد فعل می‌رسد و تعداد افعال متداول تبدیلی حداکثر شصت فعل است. در زبان فارسی برای بیان مفاهیم موردنظر عمدتاً از فعل‌های مرکب استفاده می‌شود. همچنین طباطبایی (۱۳۷۶) این‌طور می‌نویسد که برای ساختن ستاک حال، ریشه فعل از طریق اشتقاق صفر به ستاک حال تبدیل می‌شود: ریشه‌ی فعل + Ø ← ستاک حال.

ارائه و واکاوی داده‌ها

فعل‌هایی در فارسی گفتاری به کار می‌رود که در فارسی نوشتاری اصلاً معمول نیست یا دست‌کم در نثر ادیبانه به کار نمی‌رود. بعضی از آنها کاربرد عامیانه دارند، مانند «اخیدن» به معنای اخ کردن؛ اما بعضی عامیانه نیست، همچون: پاشیدن. بعضی از فعل‌ها در فارسی نوشتاری کاربرد دارند، اما در فارسی گفتاری به کار نمی‌روند، مانند: نوشیدن، نامیدن، وزیدن و... برخی از فعل‌ها برای افراد تحصیل‌کرده معنای روشنی ندارد، مانند: کاویدن، هشتن و... و معنای برخی از فعل‌ها را فقط افراد با مطالعه زیاد و یا خوانندگان متون کهن درک می‌کنند، همچون: یازیدن، مویدن و... (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۴: ۴۲).

طباطبایی (۱۳۷۶) در کتاب خود تعداد کل فعل‌های ساده را ۴۸۷ فعل نوشته است. شیوه انتخاب آنها بدین گونه می‌باشد که برای فارسی‌زبانان دست‌کم فارسی‌زبانان

تحصیل کرده شناخته شده باشد؛ شامل فعل‌هایی همچون میراندن، زایاندن و... او همچنین ۶۷ فعل را تخصصی (مانند اکسیدن) و ۴۲۰ فعل را متداول می‌داند. توضیح آنکه فعل‌های متداول شامل: ۱. فعل‌های سببی و گذرای تبدیلی مانند پوساندن؛ ۲. فعل‌های دومصدری مانند کوبیدن و کوباندن؛ ۳. فعل‌های اصلی (۳۰۴ فعل) است و فعل‌های تخصصی مانند اکسیدن می‌باشد. وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) فعل‌های ساده را ۱۰۴ فعل نام برده است.

نگارندگان، نخست همه فعل‌های ساده زبان فارسی را استخراج کرده، بنابر شمّ زبانی‌شان از بین آنها افعال پربسامد گفتاری را انتخاب و براساس حروف الفبا طبقه‌بندی کرده‌اند. سپس همه سازه‌های مضارع اخباری در دو گونه گفتاری و خوانداری را دسته‌بندی و در جدولی تمام تغییرات آوایی را ثبت کرده‌اند. نوع تغییر (حذف، اضافه، تبدیل و...) مشخص و قواعد حاکم بر آنها معلوم شده است. یادآور می‌شود که در این مقاله از فعل‌های جدید مانند ترشیدن، چربیدن، چپیدن، سُریدن، قاپیدن، کپیدن، لهیدن، لمیدن، لنگیدن، ماسیدن و غیره صرف نظر شده است؛ همچنین از افعال سببی، یعنی افعال لازمی که با اضافه شدن (ān) متعدی می‌شوند، مانند پریدن ← پراندن، پرانیدن / چسبیدن ← چسبانیدن، چسبانیدن و... استفاده نشده است.

فهرست افعال ساده فارسی در جدول ۱ آمده که از این بین پربسامدترین آنها در این مقاله بررسی شده است و ما برای راحتی بصری، زیر آنها خط کشیده‌ایم.

جدول ۱: فعل‌های ساده زبان فارسی

ردیف	حرف ابتدائی	فعل
۱	آ	آوردن، آمدن، آموختن، آزرده، آشفتن، آمیختن، آلودن، آفریدن، آزمودن، آراستن، آشامیدن، آمرزیدن، آویختن، آسودن.
۲	ا	ایستادن، افتادن، انداختن، انگیزختن، افراشتن، افسردن، افروختن، اندیشیدن، اندوختن، ارزیدن، افکندن، انگاشتن، افشاندن، افزودن.
۳	ب	بودن، بُردن، بافتن، بستن، بریدن، باریدن، بوسیدن، باختن، بلعیدن، بخشیدن، بایستن.
۴	پ	پاشیدن، پرداختن، پختن، پژمردن، پنداشتن، پراکندن، پیراستن، پیوستن، پروراندن، پذیرفتن، پرسیدن، پوشیدن، پیمودن، پریدن، پرستیدن، پسندیدن، پوسیدن، پیچیدن.

ردیف	حرف ابتدائی	فعل
۵	ت	توانستن، تراشیدن، تازیدن، تافتن، نکاندن، ترسیدن، تاییدن، تاختن، <u>ترکیدن</u> .
۶	ج	<u>جوییدن</u> ، جهیدن، جوشیدن، <u>جُستن</u> ، جنگیدن، <u>جَستن</u> ، <u>جُنبیدن</u> .
۷	چ	چسبیدن، چیدن، چرخیدن، چشیدن، <u>چکیدن</u> ، <u>چلاتدن</u> ، چریدن.
۸	خ	<u>خواندن</u> ، خوردن، <u>خواستن</u> ، خاریدن، خوابیدن، خریدن، خندیدن، خاستن، خروشیدن، خزیدن، خشکیدن.
۹	د	<u>دادن</u> ، دیدن، دوختن، <u>داشتن</u> ، <u>دویدن</u> ، <u>دانستن</u> ، دریدن، درخشیدن، دزدیدن، دمیدن، دوشیدن.
۱۰	ر	<u>رَفتن</u> ، ریختن، رسیدن، <u>رُفتن</u> ، روییدن، <u>رُستن</u> ، رقصیدن، <u>رَمیدن</u> ، رهیدن، <u>راندن</u> ، ربودن، رنجیدن.
۱۱	ز	زدن، <u>زاییدن</u> ، زیستن، <u>زُدودن</u> .
۱۲	س	سوختن، <u>سپردن</u> ، ستودن، ساختن، <u>ساییدن</u> ، <u>سُراییدن</u> ، سنجیدن، <u>سرویدن</u> .
۱۳	ش	<u>شدن</u> ، <u>شنیدن</u> ، <u>شناختن</u> ، <u>شستن</u> ، <u>شمردن</u> ، <u>شکافتن</u> ، <u>شکستن</u> ، <u>شگفتن</u> ، شوریدن، شتافتن.
۱۴	ط	طلبیدن.
۱۵	غ	غلتیدن.
۱۶	ف	<u>فروختن</u> ، <u>فرستادن</u> ، <u>فریفتن</u> ، <u>فرمودن</u> ، <u>فشردن</u> ، <u>فرسودن</u> ، <u>فهمیدن</u> .
۱۷	ق	قبولاندن.
۱۸	ک	کشیدن، <u>گُشتن</u> ، کردن، کاشتن، کاویدن، کاستن، کوبیدن، کوشیدن، کندن.
۱۹	گ	<u>گفتن</u> ، <u>گذاشتن</u> ، <u>گذشتن</u> ، گرفتن، <u>گُشتن</u> ، <u>گزیدن</u> ، <u>گسیختن</u> ، <u>گرداندن</u> ، <u>گداختن</u> ، <u>گردیدن</u> ، <u>گماردن</u> ، <u>گستردن</u> ، <u>گسستن</u> ، <u>گریستن</u> ، <u>گریختن</u> ، <u>گُشودن</u> ، <u>گنجیدن</u> ، <u>گندیدن</u> ، <u>گریختن</u> .
۲۰	ل	لرزیدن، لغزیدن، لیسیدن.
۲۱	م	مردن، <u>ماندن</u> ، <u>مالیدن</u> ، <u>مکیدن</u> .
۲۲	ن	<u>نوشتن</u> ، <u>نوشیدن</u> ، <u>نشستن</u> ، <u>نواختن</u> ، <u>نگاشتن</u> ، <u>نالیدن</u> ، <u>نامیدن</u> ، <u>نگریستن</u> ، نهادن، نمودن، نهفتن، نازیدن.
۲۳	و	ورزیدن.
۲۴	ی	یافتن.

در ادامه به طبقه‌بندی افعال ساده پرسامد گفتاری، تفاوت میان دو گونه گفتاری و خوانداری و تغییرات آوایی رخ داده در آن خواهیم پرداخت. گفتنی است برخی از تغییرات

در تمامی فعل‌ها رخ داده که به دلیل پرهیز از حشو، بنابر یک قاعده کلی در این قسمت گفته شده است و در بخش‌های دیگر از بیان دوباره آنها پرهیز خواهد شد. این قاعده عبارت است از تبدیل d در سوم شخص مفرد مضارع اخباری به e در گونه گفتاری (البته به غیر از فعل آمدن) و همچنین حذف d در گونه گفتاری سوم شخص جمع مضارع اخباری. در جدول ۲ تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری فعل ساده «آوردن» بررسی شده و چنان که در این جدول قابل مشاهده است، ? آغازی به y تبدیل و در تمام صیغه‌ها va حذف شده است.

جدول ۲: تفاوت گونه گفتاری با گونه نوشتاری - خوانداری فعل ساده (?âvardan)

شخص و شمار	?âvardan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-?âvar- am	mi-yâr-am
دوم شخص مفرد	mi-?âvar-i	mi-yâr-i
سوم شخص مفرد	mi-?âvar-ad	mi-yâr-e
اول شخص جمع	mi-?âvar-im	mi-yâr-im
دوم شخص جمع	mi-?âvar-id	mi-yâr-id
سوم شخص جمع	mi-?âvar-and	mi-yâr-an

فعل ساده دیگر، «آمدن» است که در جدول ۳ تفاوت آوایی را در گونه گفتاری و گونه خوانداری - نوشتاری ملاحظه می‌کنید. در تمام صیغه‌های این فعل، جابه‌جایی â و y، حذف a در شناسه اول و سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع، حذف ? میانجی اتفاق افتاده است.

جدول ۳: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (?âmadan)

شخص و شمار	?âmadan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-?ây- am	mi-yâ-m
دوم شخص مفرد	mi-?â?-i/ mi-yâ?-i	mi-yâ-i
سوم شخص مفرد	mi-?ây-ad/ mi- yâ-y-ad	mi-yâ-d
اول شخص جمع	mi-?ây-im	mi-yâ-im

دوم شخص جمع	mi-?ây-id	mi-yâ-id
سوم شخص جمع	mi-?ây-and	mi-yâ-nd

فعل ساده دیگر، «ایستادن» است؛ همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌کنید از ریشه فعل در تمام صیغه‌های صرفی ?i و t حذف شده و به ابتدای همه صیغه‌ها در صورت گفتاری vây اضافه شده است.

جدول ۴: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (?istâdan)

شخص و شمار	?istâdan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-?ist-am	vây-mi-s-am
دوم شخص مفرد	mi-?ist-i	vây-mi-s-i
سوم شخص مفرد	mi-?ist-ad	vây-mi-s-e
اول شخص جمع	mi-?ist-im	vây-mi-s-im
دوم شخص جمع	mi-?ist-id	vây-mi-s-id
سوم شخص جمع	mi-?ist-and	vây-mi-s-an

در جدول ۵، تفاوت گونه گفتاری و نوشتاری — خوانداری «انداختن» مشاهده می‌شود. در تمامی صیغه‌ها در گونه گفتاری ?a حذف شده است.

جدول ۵: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (?andâxtan)

شخص و شمار	?andâxtan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-?andâz-am	mi-ndâz-am
دوم شخص مفرد	mi-?andâz-i	mi-ndâz-i
سوم شخص مفرد	mi-?andâz-ad	mi-ndâz-e
اول شخص جمع	mi-?andâz-im	mi-ndâz-im
دوم شخص جمع	mi-?andâz-id	mi-ndâz-id
سوم شخص جمع	mi-?andâz-and	mi-ndâz-an

جدول ۶، تفاوت گونه گفتاری با گونه نوشتاری «بودن» را نشان می‌دهد. مضارع فعل

بودن در حالت گفتاری تبدیل به هستن می شود و گاهی فقط صرف شناسه می باشد. اگرچه این پژوهش همان طور که پیش تر گفته شد یک پژوهش همزمانی است، اما خاطر نشان می شود به لحاظ زبان شناسی تاریخی ریشه «بودن» از bav و ریشه «هستن» از ah گرفته شده اند که هر دوی آنها در زبان فارسی امروز کاربرد دارند.

جدول ۶: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Budān)

شخص و شمار	Budān	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-bâš-am	-am/hast-am/ h-am/ -?ām
دوم شخص مفرد	mi-bâš-i	hast-i/-?i
سوم شخص مفرد	mi-bâš-ad	hast/-?âst/-ye/-e
اول شخص جمع	mi-bâš-im	hast-im/-im
دوم شخص جمع	mi-bâš-id	hast-id/-id
سوم شخص جمع	mi-bâš-and	hast-and/-ân/-an

فعل ساده «باریدن» از آن دست افعالی است که فقط در سوم شخص مفرد صرف می شود و تغییر آوایی که از گونه نوشتاری/خوانداری به گونه گفتاری رخ می دهد در جدول ۷ قابل مشاهده است.

جدول ۷: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Bâridan)

شخص و شمار	Bâridan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-bâr-am	mi-bâr-am
دوم شخص مفرد	mi-bâr-i	mi-bâr-i
سوم شخص مفرد	mi-bâr-ad	mi-bâr-e
اول شخص جمع	mi-bâr-im	mi-bâr-im
دوم شخص جمع	mi-bâr-id	mi-bâr-id
سوم شخص جمع	mi-bâr-and	mi-bâr-an

فعل دیگر، فعل «پاشیدن» است. همان طور که در جدول ۸ قابل ملاحظه است، š

(همخوان بی‌واک، سایشی) به č (همخوان بی‌واک، انسایشی) تبدیل می‌شود. البته آوای č متشکل از t و š است.

جدول ۸: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Pâšidan)

شخص و شمار	Pâšidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-pâš-am	mi-pâč-am
دوم شخص مفرد	mi-pâš-i	mi-pâč-i
سوم شخص مفرد	mi-pâš-ad	mi-pâč-e
اول شخص جمع	mi-pâš-im	mi-pâč-im
دوم شخص جمع	mi-pâš-id	mi-pâč-id
سوم شخص جمع	mi-pâš-and	mi-pâč-an

تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری «ترکیدن» در جدول ۹ آمده است. این دو گونه گاهی با یکدیگر در این فعل مطابقت دارد و گاهی با افزایش e در گونه گفتاری روبه‌رو خواهیم شد.

جدول ۹: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Terkidan)

شخص و شمار	Terkidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-terk-am	mi-ter(e)k-am
دوم شخص مفرد	mi-terk-i	mi-ter(e)k-i
سوم شخص مفرد	mi-terk-ad	mi-ter(e)k-e
اول شخص جمع	mi-terk-im	mi-ter(e)k-im
دوم شخص جمع	mi-terk-id	mi-ter(e)k-id
سوم شخص جمع	mi-terk-and	mi-ter(e)k-an

در جدول ۱۰، فعل «توانستن» بررسی شده است. همانطور که مشاهده می‌کنید در فرایند تغییر آوایی از نوشتاری/خوانداری به گفتاری، av از ریشه فعل حذف و â به u تبدیل می‌شود.

جدول ۱۰: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Tavānestan)

شخص و شمار	Tavānestan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-tavān-am	mi-tun-am
دوم شخص مفرد	mi-tavān-i	mi-tun-i
سوم شخص مفرد	mi-tavān-ad	mi-tun-e
اول شخص جمع	mi-tavān-im	mi-tun-im
دوم شخص جمع	mi-tavān-id	mi-tun-id
سوم شخص جمع	mi-tavān-and	mi-tun-an

جدول ۱۱، نشان‌دهنده تفاوت گونه خوانداری/نوشتاری با گونه گفتاری فعل «جویدن» است. تغییرات آوایی این فعل در گونه گفتاری با حذف av از بن فعل مضارع و تبدیل آن به o? همراه است.

جدول ۱۱: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (javidan)

شخص و شمار	javidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-jav-am	mi-jo?-am
دوم شخص مفرد	mi-jav-i	mi-jo?-i
سوم شخص مفرد	mi-jav-ad	mi-jo?-e
اول شخص جمع	mi-jav-im	mi-jo?-im
دوم شخص جمع	mi-jav-id	mi-jo?-id
سوم شخص جمع	mi-jav-and	mi-jo?-an

در جدول ۱۲، تفاوت گونه گفتاری با گونه نوشتاری/خوانداری «چلانیدن» را ملاحظه می‌کنید. در این تغییر آوایی â به u تبدیل شده است.

جدول ۱۲: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Čelāndan)

شخص و شمار	Čelāndan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-čelān-am	mi-čelun-am

Čelāndan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
دوم شخص مفرد	mi-čelān-i	mi-čelun-i
سوم شخص مفرد	mi-čelān-ad	mi-čelun-e
اول شخص جمع	mi-čelān-im	mi-čelun-im
دوم شخص جمع	mi-čelān-id	mi-čelun-id
سوم شخص جمع	mi-čelān-and	mi-čelun-an

فعل دیگر بررسی شده در این پژوهش، فعل ساده «خواستن» است. همان‌طور که در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود از ریشه فعل در تمام صیغه‌ها حذف h و a را می‌بینیم.

جدول ۱۳: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Xāstan)

Xāstan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-xāh-am	mi-xā-m
دوم شخص مفرد	mi-xāh-i	mi-xā-i
سوم شخص مفرد	mi-xāh-ad	mi-xā-d
اول شخص جمع	mi-xāh-im	mi-xā-im
دوم شخص جمع	mi-xāh-id	mi-xā-id
سوم شخص جمع	mi-xāh-and	mi-xā-n

مورد بعدی، تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری-نوشتاری فعل ساده «دادن» است. همان‌طور که از جدول ۱۴ پیداست، در گونه گفتاری این فعل، a و h از بن فعل مضارع حذف می‌شود.

جدول ۱۴: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Dādan)

Dādan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-dah-am	mi-d-am
دوم شخص مفرد	mi-dah-i	mi-d-i
سوم شخص مفرد	mi-dah-ad	mi-d-e

شخص و شمار	Dâdan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص جمع	mi-dah-im	mi-d-im
دوم شخص جمع	mi-dah-id	mi-d-id
سوم شخص جمع	mi-dah-and	mi-d-an

فعل دیگر بررسی شده در این مقاله، «داشتن» است. نکته آنکه از این فعل فقط به صورت بن مضارع + شناسه (دارم، داری، دارد، داریم، دارید، دارند) در گونه گفتاری استفاده می‌شود و تنها در سوم شخص مفرد تغییر آوایی از d به e را شاهدیم که در جدول ۱۵ آمده است.

جدول ۱۵: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Dâstan)

شخص و شمار	Dâstan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-dâr-am	mi-dâr-am
دوم شخص مفرد	mi-dâr-i	mi-dâr-i
سوم شخص مفرد	mi-dâr-ad	mi-dâr-e
اول شخص جمع	mi-dâr-im	mi-dâr-im
دوم شخص جمع	mi-dâr-id	mi-dâr-id
سوم شخص جمع	mi-dâr-and	mi-dâr-an

در جدول ۱۶، تفاوت گونه گفتاری و نوشتاری — خوانداری «دویدن» را ملاحظه می‌کنید. در فرایند تغییر آوایی صورت گرفته، a (واکه پیشین، افتاده) به o (واکه پسین، میانه) تبدیل شده و به منظور سهولت در تلفظ v به ʔ میانجی تغییر یافته است.

جدول ۱۶: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Davidan)

شخص و شمار	Davidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-dav-am	mi-doʔ-am
دوم شخص مفرد	mi-dav-i	mi-doʔ-i
سوم شخص مفرد	mi-dav-ad	mi-doʔ-e

Davidan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص جمع	mi-dav-im	mi-do?-im
دوم شخص جمع	mi-dav-id	mi-do?-id
سوم شخص جمع	mi-dav-and	mi-do?-an

در جدول ۱۷ فعل ساده «رفتن» بررسی شده است. تغییر آوایی صورت گرفته برای صورت گفتاری آن حذف av از بن مضارع است.

جدول ۱۷: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Raftan)

Raftan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-rav-am	mi-r-am
دوم شخص مفرد	mi-rav-i	mi-r-i
سوم شخص مفرد	mi-rav-ad	mi-r-e
اول شخص جمع	mi-rav-im	mi-r-im
دوم شخص جمع	mi-rav-id	mi-r-id
سوم شخص جمع	mi-rav-and	mi-r-an

جدول ۱۸، تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری فعل «زاییدن» را نشان می‌دهد. در فرایند تبدیل گونه نوشتاری/خوانداری این فعل به گونه گفتاری، a در شناسه اول و سوم شخص مفرد، a و d در سوم شخص جمع، y از بن فعل در تمام صیغه‌ها حذف شده است.

جدول ۱۸: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (zâ?idan)

zâ?idan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-zây-am	mi-zâ-m
دوم شخص مفرد	mi-zây-i	mi-zâ-i
سوم شخص مفرد	mi-zây-ad	mi-zâ-d/ mi-zây-e/ mi-zâ?-e
اول شخص جمع	mi-zây-im	mi-zâ-im

شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
دوم شخص جمع	mi-zây-id	mi-zâ-id
سوم شخص جمع	mi-zây-and	mi-zâ-n

جدول ۱۹، تفاوت گونه گفتاری با گونه نوشتاری - خوانداری فعل «سپردن» را در زمان مضارع اخباری نشان می‌دهد؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، حذف e از بن فعل مضارع در گونه گفتاری اتفاق افتاده است.

جدول ۱۹: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (sepo(â)rdan)

شخص و شمار	sepo(â)rdan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-sepo(â)r-am	mi-spo(â)r-am
دوم شخص مفرد	mi-sepo(â)r-i	mi-spo(â)r-i
سوم شخص مفرد	mi-sepo(â)r-ad	mi-spo(â)r-e
اول شخص جمع	mi-sepo(â)r-im	mi-spo(â)r-im
دوم شخص جمع	mi-sepo(â)r-id	mi-spo(â)r-id
سوم شخص جمع	mi-sepo(â)r-and	mi-spo(â)r-an

آنچه در جدول ۲۰ مشاهده می‌کنید فرایند تغییر آوایی گونه گفتاری فعل پربسامد «شدن» است. آنچه در این فرایند ملاحظه می‌شود، حذف av از بن مضارع فعل است.

جدول ۲۰: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Šodan)

شخص و شمار	Šodan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-šav-am	mi-š-am
دوم شخص مفرد	mi-šav-i	mi-š-i
سوم شخص مفرد	mi-šav-ad	mi-š-e
اول شخص جمع	mi-šav-im	mi-š-im
دوم شخص جمع	mi-šav-id	mi-š-id
سوم شخص جمع	mi-šav-and	mi-š-an

در جدول ۲۱، تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری فعل «شکستن» بررسی شده است. در این فعل حذف e از بن فعل مضارع ملاحظه می‌شود، البته گاهی به انتخاب گویشور تبدیل a به u نیز اتفاق می‌افتد.

جدول ۲۱: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Šekastan)

شخص و شمار	Šekastan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-šekan-am	mi-ška(u)n-am
دوم شخص مفرد	mi-šekan-i	mi-ška(u)n-i
سوم شخص مفرد	mi-šekan-ad	mi-ška(u)n-e
اول شخص جمع	mi-šekan-im	mi-ška(u)n-im
دوم شخص جمع	mi-šekan-id	mi-ška(u)n-id
سوم شخص جمع	mi-šekan-and	mi-ška(u)n-an

فعل ساده بعد، «فروختن» است. در جدول ۲۲، گونه گفتاری و نوشتاری — خوانداری آن صرف شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در گونه گفتاری 0 از بن مضارع حذف می‌شود.

جدول ۲۲: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Foruxtan)

شخص و شمار	Foruxtan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-foruš-am	mi-fruš-am
دوم شخص مفرد	mi-foruš-i	mi-fruš-i
سوم شخص مفرد	mi-foruš-ad	mi-fruš-e
اول شخص جمع	mi-foruš-im	mi-fruš-im
دوم شخص جمع	mi-foruš-id	mi-fruš-id
سوم شخص جمع	mi-foruš-and	mi-fruš-an

در جدول ۲۳، تفاوت گونه گفتاری و نوشتاری فعل «فهمیدن» ملاحظه می‌شود. در گونه گفتاری این فعل h از بن مضارع حذف شده است.

جدول ۲۳: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Fahmidan)

شخص و شمار	Fahmidan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-fahm-am	mi-fam-am
دوم شخص مفرد	mi-fahm-i	mi-fam-i
سوم شخص مفرد	mi-fahm-ad	mi-fam-e
اول شخص جمع	mi-fahm-im	mi-fam-im
دوم شخص جمع	mi-fahm-id	mi-fam-id
سوم شخص جمع	mi-fahm-and	mi-fam-an

یکی دیگر از افعال پربسامد زبان فارسی، فعل «گفتن» است. در فرایند تغییر آوایی این فعل، u از بن مضارع و y میانجی حذف می‌شود که در جدول ۲۴ قابل مشاهده است.

جدول ۲۴: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Goftan)

شخص و شمار	Goftan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-guy-am	mi-g-am
دوم شخص مفرد	mi-guy-i	mi-g-i
سوم شخص مفرد	mi-guy-ad	mi-g-e
اول شخص جمع	mi-guy-im	mi-g-im
دوم شخص جمع	mi-guy-id	mi-g-id
سوم شخص جمع	mi-guy-and	mi-g-an

در جدول ۲۵، تفاوت گونه گفتاری با گونه نوشتاری — خوانداری فعل «گذاشتن» را ملاحظه می‌کنید؛ همان‌طور که پیداست go از ابتدای بن مضارع در تمام صیغه‌ها حذف شده است.

جدول ۲۵: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Gozâštan)

شخص و شمار	Gozâštan	
	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-gozâr-am	mi-zâr-am

Gozâştan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
دوم شخص مفرد	mi-gozâr-i	mi-zâr-i
سوم شخص مفرد	mi-gozâr-ad	mi-zâr-e
اول شخص جمع	mi-gozâr-im	mi-zâr-im
دوم شخص جمع	mi-gozâr-id	mi-zâr-id
سوم شخص جمع	mi-gozâr-and	mi-zâr-an

آخرین فعل مورد بررسی در این مقاله، فعل «نشستن» است. در جدول ۲۶ تفاوت گونه گفتاری و نوشتاری — خوانداری ملاحظه می‌شود. در گونه گفتاری ne از ابتدای بن مضارع حذف شده است.

جدول ۲۶: تفاوت گونه گفتاری با گونه خوانداری و نوشتاری (Nešastan)

Nešastan		
شخص و شمار	گونه خوانداری و نوشتاری	گونه گفتاری
اول شخص مفرد	mi-nešin-am	mi-šin-am
دوم شخص مفرد	mi-nešin-i	mi-šin-i
سوم شخص مفرد	mi-nešin-ad	mi-šin-e
اول شخص جمع	mi-nešin-im	mi-šin-im
دوم شخص جمع	mi-nešin-id	mi-šin-id
سوم شخص جمع	mi-nešin-and	mi-šin-an

در این بخش، ۲۴ فعل را به لحاظ تغییرات آوایی از گونه نوشتاری — خوانداری به گونه گفتاری در شش شخص و شمار بررسی کردیم. در بخش بعد، یافته‌های حاصل از این پژوهش ارائه می‌شود.

نتیجه‌گیری

تمام تغییرات ایجاد شده در فعل مضارع اخباری در جدول‌ها بیانگر آن است که محرک‌های اصلی در تغییرات آوایی، ناگزیر بودن انسان از ارتباط و نیز میل به کم‌کوشی و یا ساده‌تر و

آسان‌تر کردن تلفظ فعل در گفتار می‌باشد. تغییرات زبانی منظم و قانون‌مندند و می‌توان آنها را به‌طور دقیق تبیین کرد. این تغییرات بدین گونه است:

- در گونه گفتاری و نوشتاری بعضی از فعل‌ها تغییری ایجاد نشده است، فقط شناسه سوم شخص مفرد تبدیل به e شده و در شناسه سوم شخص جمع حذف d را شاهدیم؛ مانند: بردن، پختن، نالیدن و
- در گونه گفتاری شناسه دوم شخص جمع را in نیز می‌گویند.
- بن مضارع در چند فعل تبدیل به یک همخوان شده است؛ مانند: رفتن، شدن، گفتن، دادن، ایستادن.
- اگر واژه اول بن مضارع a باشد، حذف نمی‌شود؛ مانند: تراشیدن، لرزیدن، گشتن و
- اگر بن فعل به واژه ختم شود، واج میانجی حذف شده، در نتیجه در شناسه نیز a حذف می‌شود؛ مانند: خواستن.
- اگر بن مضارع فعل دوهجایی بوده و واژه اول آن e یا o باشد، در گونه گفتاری این واژه‌ها حذف می‌شود؛ مانند شکستن، گذاشتن، فرستادن، سپردن، فروختن، شمردن و
- اگر در بن مضارع فعل واژه â وجود داشته باشد، این واژه در گونه گفتاری تبدیل به u می‌شود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- افعالی که در صورت مضارع آنها ترکیب av وجود داشته باشد، این ترکیب گاهی کاملاً حذف شده، مانند رفتن، توانستن و گاهی تبدیل به o می‌شود؛ مانند جویدن، دویدن.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان به سؤال اول پژوهش، یعنی «تغییرات آوایی و تفاوت آنها در دو گونه گفتاری و خوانداری فعل حال اخباری چگونه است و از چه فرایند آوایی پیروی می‌کنند» را چنین پاسخ داد که در فرایند تغییر آوایی زبان فارسی گونه

گفتاری از فرایندهای حذف، تبدیل، اضافه و جابه‌جایی استفاده می‌کند که در جدول ۲۷ مشاهده می‌شود.

جدول ۲۷: فرایندهای مختلف تغییر در گونه گفتاری زبان فارسی در فعل مضارع اخباری

نوع فرایند	مثال
حذف	آوردن، آمدن، ایستادن، انداختن، توانستن، جویدن، خواستن، دادن، رفتن، زاییدن، سپردن، شدن، شکستن، فروختن، فهمیدن، گفتن، گذاشتن، نشستن
تبدیل	آوردن، بودن (به دلیل ریشه تاریخی)، باریدن، پاشیدن، توانستن، جویدن، چلاتدن، داشتن، دویدن، شکستن
اضافه	ایستادن، ترکیدن
جابه‌جایی	آمدن

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در افعال بررسی‌شده، فرایند حذف و تبدیل بالاترین ابزار برای تغییر گونه نوشتاری — خوانداری به گونه گفتاری در زمان حال اخباری بوده و کمترین وسیله‌ای که برای این فرایند به کار رفته، ابزار جابه‌جایی بوده است؛ از این‌رو فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه بین دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری تفاوت وجود دارد و از انواع فرایند تغییرات آوایی حذف، تبدیل و اضافه استفاده می‌شود، درست بوده و فرایند جابه‌جایی بدان اضافه خواهد شد.

سؤال دوم پژوهش عبارت بود از: «الزام و نیاز آموزش دو گونه گفتاری و خوانداری فعل مضارع اخباری به غیرفارسی‌زبان کدام است؟»؛ براساس داده‌های به‌دست آمده، تفاوت بین گونه گفتاری و نوشتاری در زبان فارسی در طیفی از کمترین تا بیشترین قرار دارد. درک عمیق مسائل یادگیری زبان اول و دوم به‌ناچار توجه به موضوع متغیرهای زبانی را طلب می‌کند. به دلیل اختلافات زیاد گفتار و نوشتار در زبان فارسی، آموزش این زبان به عنوان زبان خارجی برای غیرفارسی‌زبانان دشواری‌هایی به همراه دارد؛ بنابراین آموزش این دو گونه برای غیرفارسی‌زبانان ضروری است و باید در کتاب‌های درسی آنان گنجانده شود. در بحث اهداف آموزشی زبان که یادگیری هر دو گونه زبانی هدف است، یادگیری هر دو گونه از همان ابتدای آموزش الزامی است. در اینجا معلم و برنامه آموزشی و منابع، بسیار تعیین‌کننده

هستند. اگر برنامه آموزشی زبان آموزان به درستی تهیه و تنظیم شده باشد، آنها می توانند در زمان مناسب تغییرات زبانی را در ذهن خود مرور و به درستی صحبت کنند. در این میان استفاده از منابع صوتی که به گونه گفتاری تولید و ضبط شده است به زبان آموز کمک می کند که زودتر و آسان تر به اهداف آموزشی برسد. این مطلب باید براساس منابع آموزشی به روز و واقعی آموزش داده شود تا زبان آموزان با آنچه به طور طبیعی در زبان اتفاق می افتد، آشنا شوند.



منابع

- اسکندری، بهاء‌الدین. (۱۳۹۶). «نگاهی دوباره به قاعده حذف در زبان فارسی شکسته»، مطالعات آموزش زبان فارسی. سال سوم. شماره ۵. صص: ۳۱-۶۰.
- پی‌سیکوف، لازار. (۱۳۸۰). لهجه تهرانی. تهران: نشر آثار فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ثمره، یدالله. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی زبان. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- رواقی، علی. (۱۳۹۳). «گونه‌شناسی زبان فارسی». تهران: روزنامه اطلاعات. ۲۲ مرداد.
- صادقی، علی‌اشرف. (۱۳۷۵). «زبان معیار»، درباره زبان فارسی (برگزیده مقاله‌های نشر دانش).
- زیرنظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صفارمقدم، احمد. (۱۳۹۱). «گونه‌های گفتاری و نوشتاری در آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان». مجله زبان‌شناخت. سال سوم. شماره دوم. صص: ۴۵-۶۸.
- طباطبایی، علاء‌الدین. (۱۳۹۴). واژه‌سازی و دستور (مجموعه مقالات). تهران: کتاب بهار.
- عمرانی، غلامرضا و هامون سبطی. (۱۳۹۰). زبان فارسی (جلد دوم) راهبردهای یاددهی—یادگیری. چاپ هفتم. ویراست دوم. تهران: مبتکران.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۶۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی گفتاری. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- Sapir, Edward. (2014). *English Language and Linguistics: General Interest. Historical Linguistics, Language and Linguistics*. Cambridge University Press.